

## حزب توده ایران برای تامین صلح و امنیت در کشور ما خواهان برچیدن تاسیسات هسته‌ای تهیه سلاح کشتار جمعی و تعطیل نیروگاه هسته‌ای در ایران است.

کارگران بر کشور متحد شوید!



شماره 17 ، 10 دی ماه 1392

### تحلیل وضع کشور در شرایط ویژه کنونی ایران

پیامدهای مخرب ناشی از تحریم‌های اقتصادی و مالی، بازرگانی و فنی شورای امنیت سازمان ملل که منجر به توافقنامه درباره برنامه هسته‌ای رژیم با اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل در مذاکرات ژنو شد، می‌تواند در تشخیص و تحلیل وضع کنونی جامعه به ما یاری کند.

در متن توافقنامه ژنو پس از مذاکرات 3 آذرماه 92، وابستگی شدید اقتصادی کشور ما به انحصارهای فراملیتی و کشورهای امپریالیستی و پیامدهای وابستگی ناشی از نظام سرمایه‌داری حاکم بر کشور ما به روشنی چهره خود را نشان می‌دهد.

بنابراین برای تحلیل وضع کنونی کشور و نیز تاثیر تحریم‌ها بر اقتصاد کشور قبل از هر چیز باید به وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم جهانی اشاره کرد.

### فاجعه وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم

برای پی بردن به عمق فاجعه‌ای که رژیم "ولایت فقیه" مردم میهن ما را با آن روبرو ساخته، باید به ماهیت سیاست اقتصادی ضدحلقی رژیم که مضمون و محتوی این سیاست و وابستگی شدید اقتصاد کشور به انحصارهای فراملی است و در رابطه با برنامه هسته‌ای رژیم و اعمال تحریم‌های شورای امنیت، پی‌آمدهای مخرب این وابستگی که زائیده نظام سرمایه‌داری حاکم و خصلت عقب‌مانده تک کالایی ساختار اقتصاد کشور وابسته به درآمد نفت است، امروز نیز ماهیت این سیاست ضدحلقی رژیم هر چه بیشتر آشکار شد.

باید خاطر نشان سازیم که تظاهر این وابستگی را نه تنها در خصلت تک کالایی ساختار اقتصادی ایران یعنی وابستگی به درآمد نفت بلکه در تولید صنایع موجود کشور که کلاً وابسته به مواد اولیه و نیم ساخته و قطعات و ماشین‌آلات از خارج است و به تجدید تولید کشورهای امپریالیستی صادر کننده مواد خام، نیم ساخته و قطعات و ماشین‌آلات کمک کرده و می‌کند. وابستگی عمیق صنایع ایران به انحصارهای فراملی و کشورهای امپریالیستی را می‌توان مشاهده کرد. مردم میهن ما در انقلاب بهمن 57 خواهان احیاء استقلال کشور بودند. اما رژیم که وعده استقلال و خودکفایی و عدم وابستگی را به عنوان وظیفه اعلام کرد، خواست تامین استقلال کشور به معنای دستیابی به استقلال واقعی اقتصادی را نیز بدست فراموشی سپرد. آنچه که امروز در

#### در صفحات دیگر:

- 1 در ص تحلیل وضع کشور در شرایط ویژه کنونی ایران
- 1 در ص فاجعه وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم
- 3 در ص عملکرد سیاست ضدحلقی رژیم از شعار "جنگ-جنگ تا پیروزی" تا شعار "انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست"
- 5 در ص از ایران چه خبر

کشور ما می‌گذرد بیانگر ژرفای وابستگی رژیم به انحصارهای امپریالیستی است که محصول خیانت آشکار سران مرتجع رژیم، نیروهای مذهبی در جناح‌های گوناگون رژیم و روحانیون حاکم به آماج‌های انقلاب بهمن و حفظ نظام سرمایه‌داری با ساختار اقتصادی سرپا وابسته و تک محصولی رژیم سابق زیر پوشش "اقتصاد اسلامی" است که روحانیون حاکم و همدستان آنها کلان سرمایه‌داران تجاری و بورژوازی بوروکراتیک در تشدید و تعمیق هر چه بیشتر وابستگی ایران به انحصارهای امپریالیستی عملاً با اجرای سیاست نواستعماری امپریالیسم که مضمون آن وابستگی است، کشور ما را به فاجعه وابستگی به امپریالیسم و انحصارهای فراملیتی سوق دادند.

در بررسی وضع موجود و نیز تاثیر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بر اقتصاد وابسته کشور، باید خاطر نشان ساخت، در کشور ما سهم نفت در درآمد ملی نقش درجه اول در اقتصاد دارد. بدینسان تمام شئون اقتصادی و نیز تنظیم بودجه کشور بر پایه و اساس درآمد نفت است. رژیم "ولایت فقیه" مانند رژیم وابسته شاه نفت خام را در بازار جهانی می‌فروشد و با درآمد حاصل از فروش نفت و تامین اعتبار ارزی برای کلان سرمایه‌داران تجاری که غارتگران عمده درآمد ملی کشور هستند، کالای مصرفی، محصولات کشاورزی و مواد خام و نیم‌ساخته، قطعات یدکی و ماشین‌آلات و ابزار برای تامین صنایع وابسته کشور و مصرف داخلی از خارج وارد می‌کند.

در زمان جنگ ایران و عراق درآمد رژیم از فروش نفت به علت سیر نزولی قیمت نفت تقلیل یافت. بعد از جنگ و در سال‌های بعد از آن سطح درآمد رژیم از نفت به موازات افزایش قیمت نفت رو به افزایش گذاشت. در این سال‌ها رژیم صدها میلیارد دلار از طریق فروش نفت بدست آورد. افزایش درآمد نفت و صرف بخشی از درآمد برای ایجاد پروژه‌های اتمی و وارد کردن مواد خام و نیم ساخته و کالاهای مصرفی ساخته شده از خارج برای صنایع وابسته کشور، وابستگی ایران به انحصارهای امپریالیستی را تشدید کرد.

پس از اعمال تحریم‌های شورای امنیت از تابستان 2012 - 1391، از آن تاریخ به بعد کاهش صادرات نفت ایران به میزان 50 درصد منجر به تقلیل درآمد رژیم از محل فروش نفت شد. علاوه بر این رژیم به علت تحریم بانکی از دریافت مبالغ حاصل از فروش نفت محروم گردید و این در حالی است که کاهش درآمد رژیم و عدم دریافت وجوه معوقه بابت فروش نفت خام رژیم را با مشکلات عظیم اقتصادی و مالی روبرو کرده است. در چنین شرایطی بحران اقتصادی-اجتماعی رژیم به درجه‌ای رسیده که رژیم قادر به تحمل تحریم‌های در حال گسترش نبود و تشدید و گسترش تحریم‌ها ادامه حاکمیت روحانیون و

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی بر انداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

تجربه نه چندان دور - دوران اصلاحات به ثبوت رساند که این نیروها مانند باند کارگزاران و اصلاح‌طلبان و لیبرال‌ها و نیروهای ملی مذهبی متحد آنها در چارچوب رژیم "ولایت فقیه" نمی‌توانند در جهت مخالف مواضع روحانیون قشری و گروه‌های مذهبی حاکم عرض اندام کرده و بر آنها چیره شوند. در حال حاضر سیاست باند کارگزاران در این جهت است که در چارچوب رژیم از راه توضیح و ارشاد نیروها و گروه‌های مذهبی حاکم و در میان کارکنان موسسات دولتی و دانشجویان تبلیغ کنند تا بر نیروهای مذهبی قشری چیره شوند و سیاست خود را بنام سیاست "اعتدال" که پاسخگوی منافع انحصارهای امپریالیستی و نیز کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان و همه غارتگران داخلی است را به پیش برند. در این زمینه بدون تردید کامیابی خط "اعتدال" رفسنجانی و شرکاء با دشواری‌های فراوانی مواجه است.

در لحظه کنونی جناح قشری حاکمیت و گروه‌های وابسته به آن در جهت مخالفت با سیاست‌های دولت کنونی عمل می‌کنند. به طوری که در برخورد به مسائل هسته‌ای آنها در مجلس خواهان ادامه غنی‌سازی اورانیوم تا سطح غلظت 60 درصد هستند. این اقدام جناح قشری‌گرا خود نشانگر ژرفای اختلاف میان جناح‌های عمده است و هر روز بر دامنه آن افزوده خواهد شد.

اظهارات مبلغان جناح قشری‌گرا از جمله جنتی دبیر شورای نگهبان که می‌گوید: اگر در اقلیت هم باشیم نظام را حفظ می‌کنیم. و نیز مصباح یزدی با اشاره به اینکه اکثریت دنبال نفسانیت هستند. آنها در عین حال که به اقلیت بودن مذهبیین قشری در جامعه اعتراف می‌کنند. با این وجود خواهان حفظ حاکمیت در شکل کنونی آن بوده و به رهبری انحصاری روحانیون با تکیه به ارگان‌های سرکوبگر و جاسوسی رژیم در چهره سپاه پاسداران و بسیج بر جامعه تاکید می‌کنند. بنابراین سیاستی که رفسنجانی و شرکا برای نجات رژیم در پیش گرفته‌اند. در شرایط امروز این سیاست مصلحت‌گرایانه به نام خط اعتدال در اثر فشار تحریم‌های اقتصادی و اختلاف نیروهای مذهبی در هرم حاکمیت و تضاد آشکار اصل "ولایت فقیه" با رشد اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحقق‌پذیر نیست. می‌توان گفت مجموعه این عوامل بی‌ثباتی رژیم را تشدید می‌کند. اکنون باید دید در عرصه داخلی این زورآزمایی دو جناح برای از بین بردن حریف چگونه تظاهر پیدا می‌کند.

در حالی که میلیون‌ها ایرانی از پیامد تحریم‌ها مانند تورم و گرانی و بی‌اعتبار شدن پول در جامعه دچار مشکلات بزرگی هستند.

هم اکنون صف جبهه نیروهای اصلاح‌طلب و لیبرال‌ها و علاوه بر آنها بخشی از حاکمیت حول جناح "کارگزاران" در حاکمیت به سرکردگی رفسنجانی در عین حال که از انسجام و حمایت توده مردم ناراضی از گرانی و تورم در جامعه برخوردار است در عمل به آنها امکان می‌دهد که از حمایت مردم ناراضی به سود مواضع خود بهره‌گیری نماید.

همدستان آنها را بخطر انداخته است. به این علت بود که رژیم برای حفظ موجودیت خود در مذاکرات ژنو عقب‌نشینی سریعی کرد. قبل از این اقدام رژیم ما نوشتیم، "امکان پذیرش قطعنامه‌های کنونی شورای امنیت مانند پذیرش قطعنامه آتش‌بس و پایان جنگ از جانب روحانیون حاکم در برابر خطری که آنها را تهدید می‌کند وجود دارد." علت روشن بود. زیرا اقتصاد کشور ما وابسته به انحصارهای فراملی و کشورهای امپریالیستی است. همه می‌دانند که کشور وابسته از لحاظ اقتصادی نمی‌تواند از نظر سیاسی مستقل باشد. رژیم خودکامه مذهبی "ولایت فقیه" مانند رژیم شاه از لحاظ صدور مواد خام مانند نفت و هم از لحاظ خرید مواد اولیه و ماشین‌آلات عمیقاً وابسته به انحصارها و کشورهای امپریالیستی است. وابستگی کشور ما به انحصارهای فراملی نقدینگی عظیمی را دست مشت‌های بازرگان بازاری و سرمایه‌داران بزرگ غارتگر متمرکز ساخت. افزایش نقدینگی موجب افزایش قیمت‌ها در جامعه شد و میلیون‌ها ایرانی را دچار فقر و تنگدستی کرد و به دو قطبی شدن جامعه (فقر و ثروت) انجامید.

با چنین نظام اجتماعی-اقتصادی و با ساختار حکومتی قرون وسطایی و تشدید وابستگی اقتصادی رژیم حاکم بود که تحریم‌های اقتصادی، مالی و بازرگانی، از جمله بیمه و خدمات حمل‌ونقل و بویژه تحریم صدور نفت، ضربه مهلکی بر ساختار اقتصاد وابسته کشور وارد آورد که منجر به کاهش صدور نفت و کاهش درآمد دولت از محل فروش نفت، تشدید بحران، رکود صنایع کشور، بیکاری، گرانی، فقر و تورم فزاینده در جامعه شد و روحانیون حاکم را مجبور به تسلیم کرد و عملاً نقشه رژیم را برای دستیابی به سلاح اتمی با شکست روبرو ساخت.

در شرایط کنونی تحریم‌های شورای امنیت مربوط به برنامه هسته‌ای رژیم بمثابه اهرم فشار سیاسی-اقتصادی در جهت اعمال سیاست امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه رژیم حاکم عمل می‌کند و همچو "شمشیر داموکلس" بالای سر رژیم آویخته است. روزنامه آلمانی "دیولت" می‌نویسد: "این تحریم‌ها تحت فشار آمریکا ضرر مستقیمی به میزان 80 میلیارد دلار و به همین میزان ضرر غیرمستقیم بر ایران وارد آورده است." در حال حاضر امپریالیسم آمریکا با استفاده از فشار تحریم‌ها برای اعمال سیادت خود بر کشور ما، سعی دارد آلترناتیوی را در میان نیروهای مذهبی حاکم پیدا کند تا پاسخگوی منافعش باشد. در شرایط کنونی این آلترناتیو گروه‌ها و جناح ذینفع در رژیم مانند باند کارگزاران و نیروهای محافظه‌کار و سازشکار پیرامون حاکمیت مانند اصلاح‌طلبان، لیبرال‌ها و نیروهای ملی مذهبی هستند و اکنون پس از تحریم‌های مربوط به برنامه اتمی رژیم می‌کوشند با استفاده از شرایط موجود و ضعف مواضع روحانیون حاکم و نیروهای قشری به تدریج روحانیون قشری و رهبری آن را تضعیف و منفرد کنند و زمینه را برای مواضع و منافع امپریالیسم آمریکا بر کشور ما فراهم نمایند. در این زمینه اشاره کنیم، با وجودی که اصلاح‌طلبان دو قوه مقننه و مجریه را در دست داشتن برای اجرای مصوبات خود با سد شورای نگهبان روبرو بودند و آنها نتوانستند بر این سد چیره شوند. می‌پرسید چرا؟ برای اینکه سیستم "ولایت فقیه" بمثابه پایه و اساس رژیم چنان شکل استبداد مذهبی قرون وسطایی است که عملاً نیروهای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضایی را در دست یکنفر بنام "ولی فقیه" متمرکز می‌سازد.



کشور نگذاشت و از جمله بخشی از درآمد حاصل از نفت صرف برنامه هسته‌ای و نیز برای ایجاد موسسات هسته‌ای اختصاص می‌یابد.

در این زمینه نخستین گام خرید فرمول‌های طرز تهیه غنی‌سازی اورانیوم از عبدالقدیر خان پاکستانی متخصص و سازنده بمب اتمی اسلامی پاکستان بود. از این طریق دست‌اندرکاران برنامه هسته‌ای رژیم به طرز تهیه غنی‌سازی اورانیوم دست می‌یابند و علیرغم تعهدات رژیم در قبال رعایت مقررات و موازین آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در خفا به تولید اورانیوم غنی شده اقدام می‌کنند. پس از چنین اقدامی بود که مذاکرات در زمینه فعالیت هسته‌ای رژیم میان دست‌اندرکاران برنامه هسته‌ای رژیم و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای آغاز می‌شود. با تهاجم وسیع نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدانش به عراق روحانیون حاکم از بیم تهاجم آمریکا با نمایندگان اتحادیه اروپا (آلمان-انگلیس-فرانسه) در تهران وارد مذاکره می‌شود. پس از مذاکره طرفین تعلیق غنی‌سازی اورانیوم در ایران را اعلام می‌کنند و ضرورت اهمیت همکاری و ایجاد اعتماد و شفاف‌سازی در مسائل هسته‌ای میان رژیم و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را خاطر نشان می‌سازند. پس از چنین توافق، گردانندگان برنامه هسته‌ای رژیم، علیرغم درخواست‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای مبنی بر ضرورت ایجاد اعتماد بر اساس توافق رژیم با نمایندگان اتحادیه اروپا، رژیم به فعالیت‌های هسته‌ای خود ابعاد بیشتری داده و با اقدام به ایجاد راکتور آب سنگین اراک و بکار انداختن سانتریفیوژهای بیشتر به تولید اورانیوم غنی شده با هدف انباشت اورانیوم ادامه می‌دهد.

در آن ایام دست‌اندرکاران رژیم تلاش می‌کردند تا سمت‌گیری به سوی ساخت جنگ‌افزار و تولید سلاح نابودساز اتمی را تکذیب کنند. آنها ادامه تولید غنی‌سازی اورانیوم را بمناب‌ه حق رژیم و منافع نظام اسلامی در بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای برای تهیه سوخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر تبلیغ می‌کردند که فقط جنبه عوام‌فریبی و تحمیق افکار عمومی داشت. اگر چه سردمداران رژیم کوشیدند با تبلیغات گمراه کننده استفاده از انرژی هسته‌ای در جهت مصارف صلح‌آمیز که جز مردم فریبی هدفی نداشت و نیز با توسل به شعار "انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست" برای رسیدن به اهداف جنگ‌طلبانه خود بر واقعیت برنامه هسته‌ای رژیم سرپوش بگذارند. ولی این تلاش مذبوحانه در جامعه و در میان مردم میهن ما تأثیری نداشت.

حزب توده ایران در برخورد با برنامه هسته‌ای رژیم، چنانکه خاطر نشان ساخته، خواهان پذیرش و اجرای قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و شورای امنیت سازمان ملل است و در این زمینه به مفاد و پروتکل‌های صلح‌خواهانه سازمان ملل متحد تکیه می‌کند. حزب توده ایران مبارزه در راه صلح و امنیت و تأمین زندگی

در لحظه کنونی این جبهه درگیر مبارزه داخلی با نیروهای مخالف و گروه‌های قشری‌گرا است که صف آنها دچار تشتت و افتراق می‌باشد. در چنین وضعی و در چنین مرحله دشواری از ادامه تحریم‌ها، اگر این جبهه نتواند از این موقعیت بهره‌گیری کند، به سرنوشت: **شد غلامی که آب جوی آرد** **آب جوی آمد و غلام ببرد** دچار خواهند شد.

در این شرایط بغرنج و دشوار وظیفه مبارزان توده‌ای و نیروهای مترقی و میهن‌دوست است که با هوشیاری و اتحاد عمل خود توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی علیه مصالح ملی میهن ما را افشا کرده و مردم را برای پایان دادن به مسائل حاد ناشی از تحریم‌ها علیه رژیم سازمان دهند.

### عملکرد سیاست ضدخلفی رژیم از شعار "جنگ-جنگ تا پیروزی" تا شعار "انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست"

خیانت سران مرتجع رژیم و روحانیون حاکم به سرکردگی خمینی به آماج‌های انقلاب بهمن، آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح، و لگدمال کردن کلیه آزادی‌های دموکراتیک، سرکوب حقوق ملی خلق‌های ایران برای پیشبرد سیاست شوونیستی خود، توسل به زندان، شکنجه و اعدام و ادامه دادن به جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق زیر شعار "راه قدس از کربلا می‌گذرد" که حزب توده ایران خواهان پایان دادن به جنگ و توقف آن بود، یورش ارگان‌های سرکوبگر رژیم به دستور خمینی به حزب توده ایران ستاد انقلابیون ایران به قصد جلوگیری از حضور حزب در عرصه سیاست کشور و برای جلوگیری از تعمیق و گسترش انقلاب ایران که پیش‌درآمد گرایش به سوی امپریالیسم و سمت‌گیری به سوی انحصارهای فراملی در مسیر احیای نظام سرمایه‌داری وابسته بود. شعار "جنگ-جنگ تا پیروزی" و ادامه جنگ که کشور را در منجلاب عمیق ورشکست اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فرو برد. پیامدهای مخرب ادامه جنگ و شکست رژیم در جنگ که میلیون‌ها کشته و معلول و زخمی بدنبال داشت و سرانجام پذیرش قطعنامه 598 شورای امنیت سازمان ملل و اعلام آتش‌بس و بقول خمینی نوشیدن جام زهر. هراس رژیم از خیزش توده‌های محروم، ارتکاب جنایت علیه فرزندان خلق در زندان‌های رژیم، کشتار زندانیان سیاسی برای زهر چشم گرفتن از توده‌های معترض، اعمال سیاست ترور و اختناق نهادهای جاسوسی و سرکوبگر رژیم در جامعه اینها خلاصه‌ای از کارنامه سیاه خیانت‌های سران رژیم و روحانیون حاکم و همدستان آنها کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان به آماج‌های انقلاب بهمن و به منافع توده‌های محروم و استقلال کشور در سه دهه حاکمیت روحانیون بر کشور ما است که چهره ضد انسانی و خونریز رژیم ضدخلفی حاکم را فاش ساخت. و به نفرت عمومی از رژیم بویژه روحانیون حاکم در جامعه منجر شد.

چنانکه گفتیم در سال‌های بعد از جنگ رژیم به وابستگی در تولید یک کالا واحد یعنی نفت خام در سیستم مخرب تقسیم کار بین‌المللی سرمایه‌داری جهانی به وابستگی اقتصادی کشور ادامه داد و وابستگی به درآمد نفت بیشتر شد. در سال‌های بعد از جنگ میلیاردها دلار از طریق فروش نفت خام عاید دولت‌های "سازندگی"، "اصلاحات" و "بهار" شده است. اما این همه ثروت تأثیر مثبتی بر ساختار صنعتی

### **هموطنان گرامی!**

**نباید گذاشت تا رژیم "ولایت فقیه" با ایجاد نیروگاه‌های**

**هسته‌ای در کشورمان شرایط طبیعی محیط زیست و**

**امنیت زندگی مردم میهن ما را بخطر اندازد.**

هزینه‌های اختصاص یافته در برنامه هسته‌ای رژیم حیف و میل بخش عظیمی از درآمد کشور ما است که با مصالح ملی مردم میهن ما در تضاد قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی بود که احمدی‌نژاد رئیس جمهور رژیم در ادامه فعالیت غنی‌سازی هسته‌ای گفت: "قطعنامه‌های شورای امنیت کاغذ پاره‌ای بیش نیست. قطار غنی‌سازی اتمی ترمز ندارد. ترمزش را کنده‌ایم و دور انداختیم. با یک "یا حسین" به سر قله می‌رسیم." منظور احمدی‌نژاد اشاره به تولید اورانیوم غنی شده با غلظت 5 درصد به مقدار 7 تن می‌باشد که این مقدار حتی کفاف سوخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر که سالانه به 30 تن اورانیوم غنی شده نیاز دارد را نمی‌کند. و نیز 1400 کیلوگرم اورانیوم غنی شده با غلظت بالاتر از 5 درصد است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مقدار 180 کیلوگرم آن را با غلظت 20 درصد اعلام کرده است.

در حال حاضر حیف و میل و به هدر دادن میلیاردها دلار درآمد نفت که رژیم ضدخلفی برای ایجاد تاسیسات و پروژه‌های اتمی هزینه کرده است در جامعه برای مردم میهن ما مطرح بوده و در واقع به گفته هانس بلیکس رئیس سابق آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، "صرف چنین هزینه‌های هنگفتی هر عقل سلیم را درباره ماهیت برنامه هسته‌ای رژیم به تامل و می‌دارد".

از مجموعه آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که استراتژی دستیابی به سلاح هسته‌ای که سران مرتجع رژیم و محافل حاکمه ارتجاعی در پیش گرفتند. این همان فتوای مذهبی خمینی مبنی بر "جنگ، جنگ تا رفع فتنه در عالم" است که ریشه در معتقدات دینی خمینی تا ظهور "صاحب‌الزمان" دارد. انگیزه اصلی این سمت‌گیری را نیز باید در صدور پیام‌های خمینی که از مواضع ارتجاعی ضرورت دفاع از اسلام یعنی دفاع از نظام قرون وسطایی "ولایت فقیه" حاکم بر کشور ما مطرح می‌کرد و در شرایط کنونی خامنه‌ای هم این ضرورت را خاطر نشان می‌سازد، پیکایوی کرد.



صلح‌آمیز برای مردم میهن ما را از وظیفه مستمر خود می‌شناسد و از کاهش تشنج و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و تبدیل آن به منطقه غیرهسته‌ای دفاع می‌کند. ولی فعالیت‌های هسته‌ای رژیم "ولایت فقیه" بمثابه عامل تشدید تشنج به مسابقه تسلیحاتی در منطقه دامن می‌زند و صلح و امنیت را بخاطر می‌اندازد. از این نظر، حزب ما ضرورت پایان دادن به فعالیت‌های اتمی رژیم را مطرح می‌سازد. حزب ما در عین حال با غنی‌سازی اورانیوم در سطح غلظت 3/5 درصد مطابق با مقررات آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای جهت استفاده پزشکی موافقت دارد.

آنچه در شرایط کنونی باید بدان اهمیت داد برخورد به ایجاد نیروگاه هسته‌ای برای تامین برق در ایران است. در زمینه ایجاد نیروگاه هسته‌ای باید خاطر نشان ساخت که در انقلاب بهمن بنا به خواست مردم ایران به احداث دو نیروگاه هسته‌ای در دست ساختمان پایان داده شده بود. ولی رژیم ضدخلفی حاکم بدون توجه به خطرات ناشی از نیروگاه هسته‌ای که می‌تواند پیامدهای فاجعه‌آمیزی برای کشور و مردم میهن ما داشته باشد به راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر با صرف هزینه‌ای بمبلغ 7/5 میلیارد دلار (!!) به تشدید و تعمیق هر چه بیشتر وابستگی ایران اقدام کرد. حال آنکه با این ثروت هنگفت حیف و میل شده امکان آن بود که با احداث ده‌ها نیروگاه‌های حرارتی در کشور و بهره‌گیری از گاز سرشار موجود در ایران به تولید عظیم برق دست یافت. در حال حاضر که کشور ما دارای بزرگترین منبع نفت و گاز در جهان است، ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران با مصالح ملی کشور ما در تضاد آشکار است. بنابراین موضوع ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران را با در نظر گرفتن منابع نفت و گاز سرشار در کشور و گاز تولید شده توأم با نفت که سالهاست در کشور ما سوزانده و تبدیل به دود می‌شود را نیز باید از این دیدگاه مورد بحث و بررسی قرار داد.

ما معتقدیم که کشور ما دارای منبع عظیم نفت و گاز است. می‌توان از انرژی سرشار گاز جهت سوخت نیروگاه‌های حرارتی برای تولید برق بهره گرفت. به همین دلیل ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای را برای کشورمان لازم نمی‌دانیم. ما معتقدیم برای توسعه الکتریکی کردن کشور با استفاده از توربین گازی و بهره‌گیری از گاز طبیعی موجود در کشور می‌توان به تولید نیروی برق برای توسعه صنعتی کردن کشور اقدام کرد.

حزب توده ایران برای ایجاد نیروگاه‌های حرارتی تولید برق که نقش مهمی در توسعه صنعتی کردن کشور و پایان دادن به عقب‌ماندگی فنی-اقتصادی کشور ما دارد، اهمیت بسزایی قائل است.

چنانکه آشکار شد رژیم حاکم در سال‌های پس از جنگ در راستای ادامه سیاست "جنگ، جنگ تا رفع فتنه در عالم" که خمینی مطرح می‌کرد در جهت دستیابی به سلاح اتمی و ساخت و تولید جنگ‌افزار اتمی عمل کرده است. در این رابطه سران رژیم با اختصاص بخشی از درآمد نفت به ایجاد پروژه‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای از جمله: احداث رآکتور آب سنگین اراک، احداث محل‌های جدید برای غنی‌سازی اورانیوم در نطنز کاشان و فوردو قم با تعداد 19 هزار سانتریفیوژ در حال فعالیت در آن‌ها و ایجاد کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ میلیاردها دلار از درآمد نفت را در آن هزینه کرده است، که ماهیت سیاست جنگ‌طلبانه رژیم ضدخلفی را به عیان نشان می‌دهد.

#### مبارزان توده‌ای!

کشور ما در شرایط حساس و وضع فوق‌العاده‌ای قرار دارد. در این اوضاع متلاطم برای پیشبرد امر توده مردم در هسته‌های مخفی حزبی متشکل شوید.



## از ایران چه خبر

با انتشار گزارش تحقق و تفحص مجلس رژیم در رابطه با سازمان تامین اجتماعی که بیش از 40 میلیون بازنشسته و بیمه شده را تحت پوشش خود دارد. عمق فسادهای مالی را در این سازمان عظیم که با در اختیار داشتن منابع وسیع و دهها کارخانه و موسسات خدماتی و با رشوه دادن به نمایندگان مجلس رژیم تا واگذاری چندین کارخانه با ارقام میلیاردی به مقربین دستگاه حکومتی نه تنها عمق فساد و تباهی را در این سازمان دولتی بلکه در رژیم مذهبی "ولایت فقیه" نشان می‌دهد.

"تنها نکته‌ای که در زمینه سهم نفت در بودجه سال آینده تا حدودی محل تردید است و برخی از کارشناسان نسبت به آن با دیده تردید می‌نگرند، میزان تولید نفت کشور است. درباره تردید کارشناسان باید بگوییم که برخی از آنها در تولید روزانه 1 میلیون و 300 هزار بشکه در روز و برخی دیگر از آنها، به فروش این میزان از نفت در بازار جهانی توسط کشورمان و برگشت درآمد حاصل از فروش آن با توجه به واقعیت تحریم‌ها تردید دارند." (جمهوری اسلامی، 92/9/27)

## رفقا و دوستان گرامی!

"مردم" زبان بی بند توده‌ها را در کشور پخش نمایند. پخش و تکثیر "مردم" در ایران یک وظیفه انقلابی است.

اینکه رقم عظیم میلیاردری حاصل از فروش نفت، از چه طریقی به خزانه دولت منتقل خواهد شد، با توجه به تحریم بانکی و مالی رژیم و مسدود بودن حساب‌های بانکی ایران در نزد بانک‌های خارجی، شاید برای خود تدوین‌کنندگان بودجه 93 رژیم چندان روشن نباشد. در اثر تحریم‌های سال 2012 در حدود 100 میلیارد دلار از درآمدهای نفتی نزد بانک‌های خارجی مسدود شده و امکان مبادلات مالی این حجم بزرگ منابع ارزی به جز در موارد تهازری البته با نظارت آمریکا وجود ندارد. واقعیت این است که در صورت تشدید تحریم‌ها در سال آینده، رژیم حتی از پرداخت حقوق کارمندان دولت در قالب بودجه جاری ناتوان خواهد بود. همه اینها عمق وابستگی کشور به درآمد نفت را نشان می‌دهد که عدم تحقق آن می‌تواند فلج کامل اقتصادی رژیم را به همراه داشته باشد.

نکته مهم در بودجه 93 رژیم روشن نبودن منابع تامین یارانه‌ها است که رقمی در حدود 40 هزار میلیارد تومان را شامل می‌شود. طرح هدفمندی یارانه‌ها که به گفته مسئولین (در اجرا با شکست روبرو شده) با توجه به کسری بودجه 50 هزار میلیارد تومانی در بودجه کل کشور، و مبهم بودن عدم تحقق درآمد نفت در سال آینده به علت وجود تحریم‌ها، اینکه دولت چگونه خواهد توانست این رقم عظیم میلیاردری یارانه‌ها را تامین نماید، جای سوال جدی باقی است.

"سیستم پولی قابل نظارت کشور به حجم نقدینگی معادل 101 هزار میلیارد تومان دسترسی ندارد. این رقم به عنوان نقدینگی سرگردان قابل شناسایی ارزیابی شده است که حجم معادل 34 درصد نقدینگی کشور را دربرمی‌گیرد." (جمهوری اسلامی، 92/9/24)

بنابراین بانک مرکزی کشور عملاً کنترلی بر بیش از 26 هزار صندوق‌های قرض‌الحسنه (به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی) که حجم بزرگی از نقدینگی کشور را در کنترل خود دارند، ندارد. امری که فقط در رژیم نمونه ایران اسلامی "ولایت فقیه" امکان‌پذیر است.